

Stylistic Analysis of the Quran's Confrontation with Antiquarianism in Popular Culture

Received: 2023/03/06
Accepted: 2023/10/31

10.22034/JKSL.2023.388654.1192
20.1001.1.27833356.1402.4.3.6.1



*Mohammad Mostafa Asadi
** Hossein Arabnejad Zarandi

Type of Article: Researching

Abstract

The necessity of actualizing the Quranic culture as a criterion in society requires a precise understanding of the Quran's critical perspective on popular culture and an approach to its cultural solutions. This research explores the Quran's confrontation with the antiquarianism present in contemporary culture and society. The study, employing both intra-textual and extra-textual methods, reveals the Quran's confrontation style in terms of the confrontation criteria. This includes alignment with rational, scientific, and religious criteria. In the structural dimension of confrontation, the research emphasizes identification, consequence assessment, legitimacy recognition, and substitution. Accordingly, the Quran positions itself against the ancient ignorant culture of "the community of ancestors," defining and outlining a rational scientific divine culture called the "nation of fathers" to expand the culture of monotheism. In summary, the Quran, in cultural critique, addresses a unified issue simultaneously in contemporary and historical societies, taking into account historical roots of the problem.

Keyword: Legal Verses, Dependency of Quranic Understanding, Cultural Context of Revelation Era



*. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Iran University of Medical Sciences, School of Medicine.

(corresponding author)

asady.m@iums.ac.ir

** Instruktor of the Department of Islamic Studies, Shahid Bahonar University, Kerman

أسلوبية مواجهة القرآن الكريم مع الأثرية في الثقافة العامة

الاستلام: ١٣ شعبان ١٤٤٤
القبول: ١٥ ربيع الثاني ١٤٤٥

10.22034/JKSL.2023.388654.1192
20.1001.1.27833356.1402.4.3.6.1



* محمد مصطفي اسعدي
حسين عرب نجاد زرندي**

نوع المقال: بحثي

الملخص

إن تجسيد ثقافة القرآن المعيارية في المجتمع يستلزم فهما دقيقا لرؤية القرآن المرصية تجاه الثقافة العامة والوصول إلى الحلول الثقافية لهذا المصدر الإلهي. هذا وإن إشكالية هذا البحث هي: ما نوع المواجهة التي خاضها القرآن الكريم مع الأثرية في مجتمع العصر وثقافته؟ وما توصل اليه البحث إليه باستخدام منهج التفسير النصي وغير النصي، هو أن أسلوب مواجهة القرآن في مستوى معيار المواجهة يشتمل على التقييم المقارن بالمعيار العقلي والمعيار العلمي والمعيار الديني. كما أن في مستوى هيكل المواجهة يهتم بالسياق وتقييم الآثار الناتجة والنسق والاستبدال. لذلك إن القرآن الكريم يعرف ثقافة عقلية علمية إلهية تسمى ملة الأب إزاء الثقافة الأثرية الجاهلية المعروفة بأمة الآباء توسعا للثقافة التوحيدية. وبعبارة قصيرة إن القرآن الكريم يتتبع في رؤيته المرضية لثقافة المجتمع إصابة واحدة في المجتمع المعاصر والمجتمعات التاريخية، ومن ثم ينظر في جذورها التاريخية.

الكلمات المفتاحية: الأسلوبية، القرآن والثقافة، القرآن والأثرية، الثقافة العامة، الثقافة القرآنية



سال چهارم
شماره سوم
پیاپی سیزدهم
پاییز ١٤٥٢

*. أستاذ مساعد، قسم المعارف الإسلامية، جامعة إيران للعلوم الطبية، كلية العلوم الطبية (الكاتب الرئيسية)

asady.m@iums.ac.ir

** مدرس قسم المعارف والدراسات الإسلامية، جامعة شهيد باهنر في كرمان



سبک‌شناسی مواجهه قرآن کریم با باستان‌گرایی در فرهنگ عمومی



محمد مصطفی اسعدی*

حسین عرب نژاد زرنندی**

10.22034/JKSL.2023.388654.1192

20.1001.1.27833356.1402.4.3.6.1



دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

مقاله: پژوهشی

چکیده

لازمه عینی‌سازی فرهنگ معیار قرآنی در جامعه، فهم دقیق نگاه آسیب‌شناسانه قرآن نسبت به فرهنگ عمومی و راهیافت به راهکارهای فرهنگی این منبع الهی است. مسئله پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم در برابر باستان‌گرایی موجود در فرهنگ و جامعه زمانه، چه نوع مواجهه‌ای داشته است؟ بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر به روش تفسیر درون‌متنی و برون‌متنی، سبک مواجهه قرآن در بُعد معیار مواجهه، شامل هم‌سنجی با معیار عقلی و معیار علمی و معیار دینی است. در بُعد ساختار مواجهه نیز، زمینه‌یابی، پیام‌سنجی، ساحت‌شناسی و جایگزین‌سازی قابل توجه است؛ از این رو، کتاب وحی در راستای گسترش فرهنگ توحیدی، در برابر فرهنگ جاهلی باستانی «امت آباء»، فرهنگی عقلانی علمی الهی به نام «ملت آب» را تحدید و تعریف می‌کند. خلاصه آنکه قرآن کریم در آسیب‌شناسی فرهنگی جامعه، آسیب واحد را هم‌زمان در جامعه معاصر و جوامع تاریخی دنبال می‌کند و بدین سان ریشه‌های تاریخی آسیب را هم در نظر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، قرآن و فرهنگ، قرآن و باستان‌گرایی، فرهنگ عمومی، فرهنگ قرآنی

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده پزشکی (نویسنده مسئول)

asady.m@iums.ac.ir

** مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان



۱. بیان مسئله

قرآن کریم، به‌عنوان متغیر ذاتی و مستقل فرهنگ اسلامی، در تمام ادوار تاریخی، قابل هم‌سنجی با مسائل گوناگون فرهنگی و تمدنی در جوامع مختلف است. ویژگی کتاب وحی آن است که شناختن سبک و سیاق آن در مواجهه با هر پدیده‌ی ضدآرزویی، فارغ از اینکه مخاطب اولیه چه جمعیت و ملیتی بوده باشند، قابلیت کاربست در هر عصر و نسل و هر محیط و جغرافیا را دارد؛ چه اینکه به تعبیر معصومان علیهم‌السلام، خداوند آن را برای زمان و مردمانی خاص نازل نفرموده است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۸۰) و لذا می‌تواند نوع منحصر به فردی از روش‌های فرازمانی و بین‌المللی را به مخاطب بیاموزد.

واژه «باستان» را به معنای کهنه، گذشته، دیرین و زمان قدیم دانسته‌اند (عمید، ۱۳۸۹ش، ۲۰۵) و برخی نیز ناظر به ملیت، آن را ایران قدیم و یا ایران پیش از اسلام شناسانده‌اند (معین، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ۲۳۳). باستان‌گرایی یا گرایش به باستان، به معنای ترجیح و تقدم هر موضوع کهن و قدیمی است که به گذشته قومی یا ملی بازمی‌گردد. این گرایش می‌تواند راجع به یک نگرش و ایدئولوژی یا آداب و رسوم کهن یا ناظر به نوعی از کنش‌گری در سبک زندگی باشد. می‌دانیم که باستان‌گرایی را در معنای امروزی آن و فارغ از معنای واژگانی و نحوی اش، پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دانسته‌اند که بینش مشخص و طرفدارانی داشته و دارد. این جریان در تاریخ معاصر ایران در رویکردی آشکار، نه تنها نسبت به اسلام و قرآن واگرایی داشته، بلکه حتی نقطه تقابل با فرهنگ دینی را نیز دنبال کرده است. باستان‌گرایی مترصد آن بوده است که با تجدید سنت‌ها و عقاید کهن، زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی را بر پایه همان عقاید بنا نهد و با ایجاد تضاد بین دوره تاریخی ایران قبل و بعد از اسلام، تعالیم اسلامی را مایه عقب‌ماندگی ایران معرفی کند (کجباف و احمدوند، ۱۳۹۰ش، ج ۵، ۱۳۷). بر این اساس، باستان‌گرایی در جامعه امروز، یکی از نقاط تقابل با فرهنگ دینی شناخته می‌شود و در صورتی که جایگاه و ابعاد حقیقی آن آشکار نشود، می‌تواند یک ضدفرهنگ ناظر به فرهنگ اصیل اسلامی شناخته گردد؛ خصوصاً نسبت به اقشاری از جامعه که توان تحلیل واقعی از نسبت دیانت و ملیت ندارند و یا در فضای اجتماعی رسانه‌ای، تحت تأثیر داده‌های غیرمستند و بی‌مبنا قرار می‌گیرند.

نوشتار پیش‌رو می‌کوشد این موضوع و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی را در نگاه فراعصری و



فراملی قرآن کریم بکاود؛ زیرا هرچند این موضوع در بعد ملی ایرانی و در بعد سرزمینی در کتاب وحی مطرح نیست، معنای عام آن در بعد باستانی و نیاکانی و قومیتی، در برخی گزاره‌های قرآن کریم قابل رصد است؛ البته در نگاه خاص به فرهنگ عمومی جوامع، هم شامل جامعه معاصر رسول خاتم صلی الله علیه و آله و هم در برخی جوامع پیشین، قابل رهگیری و بررسی است. براین اساس، مسئله پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم در برابر باستان‌گرایی موجود در فرهنگ و جامعه زمانه، چه نوع مواجهه‌ای داشته است؟ به دیگر سخن، قرآن کریم در برابر بینش و منشی که ارزش‌های باستانی قومی یا ملی را معیار قرار می‌داد، چگونه موضع گرفته است؟ ضرورت پاسخ به این مسئله، از یکسو ناظر به وجود و بروز و تبلیغات این جریان در ایران اسلامی است که بایستی جایگاه آن در فرهنگ دینی حاکم بر جامعه اسلامی آشکار شود؛ از سوی دیگر ناظر به درک نسبت ملیت و قومیت با دیانت برای عموم جامعه است تا درک روشنی از جایگاه هر کدام از این آن‌ها در یک نظام ارزشی حقیقی و اصیل تعریف گردد.

پیش از این، پژوهشی همسان با مسئله حاضر یافت نشد. در مقاله «باستان‌گرایی در فرهنگ و ادبیات دوره سامانی» (ثواقب و کرمعلی، ۱۳۹۷ ش، ۶۹)، به این موضوع نه در نگاه قرآنی، بلکه در نگاه تاریخی ناظر به دوره خاصی از تاریخ ایران توجه شده است. در پژوهش «باستان‌گرایی جدید و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران» نیز (کریمی مله و گرشاسبی، ۱۳۹۷ ش، ۱۵۳) این موضوع به عنوان کنشی تفسیری و روایتی ساخت‌شکن مطرح شده است که از مجرای برساختن دگرپرووری، انسجام و ثبات سیاسی اجتماعی را تهدید می‌کند. روشن است که این مقاله هم، با رویکرد قرآنی پژوهش حاضر تمایز دارد. پیش فرض پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم باستان‌گرایی را مانند هر گرایش دیگر بشری، در ترازوی حق و باطل قرار می‌دهد؛ بر اساس معیارهای عمومی و اصیل انسانی، آن را راستی آزمایی می‌کند و بر همین اساس، آن را تأیید یا انکار می‌نماید.

این پژوهش به روش تفسیر درون‌متنی و برون‌متنی انجام می‌شود که هم مسئله را از متن قرآن می‌پوید و هم از خارج متن، همراه با تحلیل عقلی و تاریخی، آن را واکاوی می‌کند.

۲. یافته‌های پژوهش

می‌دانیم که در جامعه عصر نزول وحی و فرهنگ آن زمانه، گرایش‌های اعراب جاهلی نسبت به داشته‌های باستانی پررنگ بود. همین موضوع یکی از نقاط تعصب آنان شمرده می‌شد و تا حدی یکی از زمینه‌های تقابل با دعوت نبوی را ایجاد می‌کرد. این موضوع در شهر مکه که عمده تقابل اعتقادی و ایدئولوژیک قرآن با مشرکان و کفار در آن شکل گرفت، بیشتر خود را نمایان می‌ساخت. در این فضا، قرآن کریم رویکردی را در واقع‌نگری نسبت به این انگاره باستانی و نیاکانی اتخاذ کرد تا زمینه پذیرش فرهنگ دینی بیشتر فراهم شود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، سبک مواجهه قرآن کریم با موضوع باستان‌گرایی در دو بُعد قابل شناسایی و کشف است؛ یک بُعد به معیار مواجهه و بُعد دوم به ساختار مواجهه مرتبط است که در ادامه از نظر خواهد گذشت. معیار مواجهه یعنی ملاکی که قرآن به وسیله آن، باستان‌گرایان را نقد می‌کند و ساختار مواجهه یعنی قالب و چیدمانی که قرآن معیارها را در بستر آن ارائه می‌نماید.

۱-۲. معیارهای مواجهه با باستان‌گرایی

قرآن کریم در مخاطب با جامعه هدف خود، اقشار و گروه‌های گونه‌گونی را در نظر گرفته است. مخاطب قرآن کریم گاهی شخص رسول خدا ﷺ (مأئده: ۶۷)، گاهی مسلمانان و جامعه ایمانی (بقره: ۲۷۸)، گاهی اهل کتاب (آل عمران: ۶۵)، گاهی کفار و مشرکان (کافرون: ۱) و گاهی جنس انسان (انشقاق: ۶) و عموم جامعه بشریت (نساء: ۱۷۴) است. بر همین اساس، ضوابط و قواعد و معیارهایی که قرآن بر اساس آن‌ها تکلم می‌کند، هم درون‌دینی و هم برون‌دینی است و در واقع فرادینی است. به هر حال، از آنجا که باستان‌گرایان فرهنگ معیار خود را فرهنگ کهن اجدادی خود لحاظ می‌کردند و فرهنگ دینی را هم بر همان معیار می‌سنجیدند و انکار می‌نمودند (مؤمنون: ۲۳)، قرآن هم در مواجهه با آنان، معیارهایی ارائه کرد تا فرهنگ معیار را بازتعریف کند و آن را بر اساس مبانی عقلی و علمی و دینی، نهادینه سازد.

۱-۲-۲. هم‌سنجی با معیار عقلی

قرآن کریم در آسیب‌شناسی فرهنگ برخی ملل، به ریشه یا زمینه باستان‌گرایانه در نظام بینشی آن جوامع اشاره می‌کند و می‌فهماند که این گرایش می‌تواند اعتقادات یک ملت را تحت تأثیر قرار



دهد؛ لذا در نقل استدلال قوم ابراهیم در بت پرستی، چنین نقل می‌کند: «ما پدران خود را دیدیم که آن‌ها را عبادت می‌کنند.» (انبیاء: ۵۳) می‌دانیم ابراهیم علیه السلام تبعه یک ملت و سرزمین متمدن بود و باستان‌شناسان، شهر اور در بابل جنوبی واقع در جنوب عراق را محل تولد و مسکن او معرفی می‌کنند (بی‌آزار شیرازی، ش ۱۳۸۰، ۵۳). از این جهت تأثیر آیین‌های باستانی در فرهنگ عمومی مردم این منطقه می‌توانست بسیار زیاد باشد. علاوه بر این، قرآن در بیان حال مشرکان به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آن‌ها همان‌گونه این معبودها را پرستش می‌کنند که پدرانشان قبلاً آن‌ها را می‌پرستیدند.» (هود: ۱۰۹) در مقطعی دیگر، به اقرار خود آنان اشاره و در گزارش واکنش مشرکان به دعوت و حیانی می‌فرماید: «هنگامی که به آن‌ها گفته شود: "از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید." می‌گویند: "نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم."» (بقره: ۱۷۰) مخاطب این خطاب قرآن مشرکان در بت پرستی باستانی یا یهودیان در تمسک به یهودیت محرف هستند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ۴۶۲).

آنگاه قرآن در برابر امثال این تفکرات، نقطه روشنی را بیان کرد و فرمود: «آیا اگر پدران آن‌ها چیزی نفهمیدند و هدایت نیافتند، (باز از آن‌ها پیروی خواهند کرد؟)» (بقره: ۱۷۰). این جمله که به تعبیر مفسران، استفهام انکاری شدید است (کرمی، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ۲۱۸؛ خطیب، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ۱۸۸) روشن می‌کند پذیرش همه عناصر فرهنگ گذشتگان از سوی انسان و تقلید از آن، نوعی ارتجاع و مانع پیشرفت ملت (رضایی اصفهانی، ش ۱۳۸۷، ج ۲، ۷۸)، خسارتی عظیم، سدّی مقابل ترقی و پیشرفت و تعالی انسان‌ها و مانع هدایت آن‌هاست. (جعفری، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ۴۲۸)؛ از این رو، قرآن پیروی از آداب غیر عقلی پیشینیان را عقب‌گرد می‌داند و این‌گونه بر حجیت عقل تأکید می‌کند.

قرآن دقیقاً به همین دلیل، وقتی قومی به علت ابراز تردید در محتوای دینی، باستان‌گرایی و سنن نیاکانی را رها نمی‌کنند، ارائه بینه و دلیل روشن را لازم می‌شمارد تا افراد از لحاظ عقلانی اقناع شوند. قوم صالح به وی می‌گفتند: «آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، نهی می‌کنی؟ در حالی که ما در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می‌کنی، در شک و تردید هستیم.» (هود: ۶۲) ابراز بینه و دلیل آشکار در این شرایط، صرفاً به علت آن است که مخاطب باید در مسیر جدایی از سنن باطل باستانی، از لحاظ فکری به نقطه روشنی از درک برسد و باستان‌گرایان

نبود همین اقعان فکری را مانع رهایی از تفکرات باطل باستانی می‌شمردند. در واقع، پیروی از نیاکان تنها دلیل باستان‌گرایان و نوعی از تقلید جامد و متحجرانه‌ای است که مبنای علمی و پشتوانه فکری ندارد و اسلام می‌خواهد آنان را از این بینش، آزاد کند و عقل‌های آنان را در مسیر تدبیر قرار دهد (قطب، بی تا، ج ۵، ۲۷۹۳؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ۱۲۲).

اما باستان‌گرایان با هدف اصالت‌بخشی به سنن نیاکانی، خلاف آن را غیرعقلانی می‌شمردند و به همین جهت، «سلطان مبین» یا دلیل و معجزه روشن را دیگر الزام عقلی می‌دانستند که باید از سوی انبیا ارائه شود (ابراهیم: ۱۰). انبیا نیز اولاً ارائه «سلطان مبین» را وابسته به اراده الهی می‌دانستند (ابراهیم: ۱۱) و ثانیاً آن را در مقاطع مختلف نبوت ارائه می‌کردند؛ بنابراین، ارائه معجزات نبوی در برابر تمام کسانی که سنن نیاکانی را اصل می‌انگاشتند، نوعی از مواجهه عقلانی است که اولاً باستان‌گرایی دینی را ابطال و ثانیاً توحید و نبوت را اثبات می‌کرد. در نقطه مقابل، اگر همین سنن اجدادی کهن همسو با خرد انسانی باشد، نه تنها نکوهدیده تلقی نمی‌شود، بلکه پسندیده است و تأیید می‌شود؛ چنان‌که در بُعد بینشی، فرزندان یعقوب به پرستش خدای پدرشان و اجدادشان که همان خدای واحد است، معتقد شدند (بقره: ۱۳۳) و قرآن کریم این اعتقاد توحیدی فرانسلی را مردود ندانست؛ زیرا معنای سخن آنان این بود که آنان عبادتشان را برای خدا خالص می‌کنند و نسبت به پروردگار هیچ شرکی روا نمی‌دارند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ۴۳۹؛ طباطبایی، ش ۱۳۹۰، ج ۱، ۳۰۰).

۲-۲-۲. هم‌سنجی با معیار علمی

گام دوم مواجهه قرآن کریم با باستان‌گرایی، با توجه به معیار فرادینی «علم» قابل رهگیری است. «علم» در ادبیات و نگاه قرآن کریم، تعریف منحصر به فرد و حتی پیوست فرهنگی خاص خود را دارد (اسعدی، محمد مصطفی، ۱۳۹۹ش، ۵). با لحاظ این نکته، یکی از معیارهای قرآن کریم در مواجهه با باستان‌گرایی، ملاک «علم» است؛ از این رو، در نقد گروهی از کفار فرمود: «هنگامی که به آنان گفته شود: "به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید." می‌گویند: "آنچه از پدران خود یافته‌ایم ما را بس است." آیا اگر پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند (باز از آن‌ها پیروی می‌کنند؟)» (مائده: ۱۰۴). مخاطب این آیه کفار قریش و دیگرانند که «بحیره» را به‌عنوان یکی از سنن جاهلی به خداوند نسبت می‌دادند (طبرسی، ش ۱۳۷۲، ج ۳، ۳۹۱). هرچند برخی



این نادانی را ندانستن دین و سنت دانسته‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۲، ۴۵۸؛ عاملی، ۱۳۶۰ش، ج ۳، ۳۶۰)، به نظر می‌رسد عمومیت فقدان علم، هرگونه نادانی دینی و غیردینی را شامل می‌شود؛ لذا برخی تصریح کرده‌اند که پدرانشان چیزی از شرایع نمی‌دانستند و به‌سوی مصالح دینی یا دنیوی هدایت نشده بودند (مراغی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ۴۵) و پیروی از آنان جایز نیست (حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۴، ۱۳۳). به هر تقدیر، قرآن در این تحلیل، فقدان معیار علم را دلیل ناشایستگی نیاکان در پیروی بر شمرده است.

در مقطعی دیگر قرآن در یک پیش‌بینی یا پیش‌گویی، به دلیل تراشی مشرکان در توجیه مشرک بودن خود، در این مسئله اشاره کرده و فرموده است: «به‌زودی مشرکان می‌گویند: "اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما و نه چیزی را تحریم می‌کردیم."» (انعام: ۱۴۸) این گفتار مشرکان در خلط نظام تکوین و تشریح، برای تریئه خود از فرهنگ ناصحیحی بود که نسل‌به‌نسل ادامه می‌یافت. آنان در این توجیه، علاوه‌بر نگاه جبرگرایانه به موضوع، عملکرد خود را مستند به قدمت و دیرینگی هم می‌کردند تا به‌صورت توأمان، معیار الهی و باستانی بتراشند. قرآن کریم پس از تهدید ضمنی آنها می‌فرماید: «بگو: آیا دلیل روشنی دارید؟ پس به ما نشان دهید. شما فقط از پندارهای بی‌اساس پیروی می‌کنید و تخمین‌های نابجا می‌زنید.» (انعام: ۱۴۸) «علم» در این آیه که به «دلیل روشن» ترجمه شده است به‌صراحت، غیرعلمی بودن اعتقاد آنان را یادآور می‌شود که برآیند همسویی با گمان و ظن است. جالب است که قرآن در فرازی دیگر و پس از نقل مشابه همین بینش و منش غیرعلمی، نه‌تنها به قدمت این موضوع، بلکه به قدمت همین دلیل تراشی‌های غیرعلمی نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: «کسانی که پیش از اینان بودند نیز همین کارها را انجام دادند.» (نحل: ۳۵)؛ یعنی هم رفتار و هم گفتارشان پیشینه تاریخی دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ۵۵۴؛ ابوزهره، بی‌تا، ج ۸، ۴۱۷۰). قرآن همین سنجه را در برخورد با خرافه باستانی فرزندانگاری برای خداوند مطرح و در نقد علمی آنها می‌فرماید: «... تا آنها را که گفتند: "خداوند فرزندی انتخاب کرده است." انذار کند. نه آنها به این سخن علم دارند و نه پدرانشان.» (کهف: ۴-۵) درواقع، چون این افراد مستند دیدگاه خود را به اجداد خود احاله می‌دادند، قرآن با این جمله هم دیدگاه آنان و هم دلیلشان را باطل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۳، ۲۳۹) و دروغی بزرگ می‌شمارد (امین، بی‌تا، ج ۸، ۶).

۲-۲-۳. هم‌سنجی با معیار دینی

پس از ارائه دو معیار در سطح فرادینی، قرآن کریم بر مبنای پیش‌فرض راه حق، باستان‌گرایی را در سطح درون‌دینی هم با معیار دینی می‌سنجد. بر اساس گزارش‌های قرآن کریم، گاهی باستان‌گرایی به صورت روشن، با دین تقابل پیدا می‌کند و علت تقابل با دین همین بینش است؛ چنان‌که قوم مدین به شعیب نبی می‌گفتند: «آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می‌خواهیم، در اموالمان انجام ندهیم؟» (هود: ۸۷) آنان می‌خواستند بگویند: ما در انتخاب دینمان آزادییم و هرگونه که بخواهیم در اموال خودمان تصرف می‌کنیم و کسی یا چیزی نمی‌تواند جلودار ما باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۰، ۳۶۵). در واقع، آنان پذیرش فرهنگ دینی را خلاف آزادی فردی می‌انگاشتند؛ در حالی که خود اسیر و وابسته به موهومات و خرافات باستانی و نیاکانی بودند.

این موضوع در بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی نیز خود را نشان داده است. قرآن کریم در آسیب‌شناسی از گروهی از مشرکان با همین گرایش می‌فرماید: «هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند، می‌گویند: "پدران خود را بر این عمل یافتیم و خداوند ما را بدان دستور داده است."» (اعراف: ۲۸) برخی مفسران معتقدند تعبیر «فاحشة» در این فراز، ناظر به طواف برهنه کعبه بود. آن‌ها می‌گفتند: «ما آن‌گونه که مادرانمان ما را زاییده‌اند، طواف می‌کنیم!» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ۱۱۴؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۷۵۰) برخی دیگر همین رفتار را با این استدلال که «در لباسی که گناه کردیم، طواف نمی‌کنیم.» گزارش کرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ۵۱۰؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ۳۳). به هر روی، رسم ناهنجاری در میان این گروه رایج و یک مستند آن، آداب نیاکانشان بود که قرآن در جنبه دینی، آن را نقد کرد و با قاطعیت فرمود: «خداوند به کار زشت فرمان نمی‌دهد.» (اعراف: ۲۸) پس اگر یک رسم باستانی ضدارزشی حتی در صورت یک عمل دینی بروز پیدا کند، تجویز نخواهد شد.

در سطح عمیقی از بینش باستان‌گرایانه، باور به معتقدات دینی نیاکانی به صورت پیش‌فرض صحیح انگاشته و برای اندیشه مقابل آن دلیل خواهی می‌شود؛ چنان‌که قوم عاد به هود نبی ﷺ چنین می‌گفتند: «آیا به سراغ ما آمده‌ای که خدای یگانه را پرستیم و آنچه را پدران ما می‌پرستیدند، رها کنیم؟ پس اگر راست می‌گویی آنچه را به ما وعده می‌دهی، بیاور.»



(اعراف: ۷۰) نظیر همین تعبیر را قوم نوح در قبال نبوت وی بیان می‌کردند (مؤمنون: ۲۴). از این دست تعابیر می‌توان چنین دریافت که باستان‌گرایان در دو سطح متفاوت جانمایی می‌شدند: گروهی که با حدس و گمان چنین اعتقادی داشتند و گروهی که در گمراهی خود اعتقاد قطعی داشتند و با جسارت تمام، عذاب الهی را نیز طلب می‌کردند. در واقع هر دو گروه، معضل علمی و برخوردار از نوعی از جهالت بودند. هم‌چنان‌که امروزه می‌بینیم، گروهی از باستان‌گرایان در حد گرایش و علاقه، به انگاره‌ها و نمادهای باستانی توجه دارند و گروهی نیز با نگاهی افراطی آن را جایگزین دین حق و راه خدا می‌کنند. به هر روی، کتاب وحی به نقل از هود نبی ﷺ خطاب به قوم عاد می‌فرماید: «آیا با من در مورد نام‌هایی مجادله می‌کنید که شما و پدرانتان به‌عنوان معبود گذارده‌اید؛ درحالی‌که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟» (اعراف: ۷۱)

بر همین اساس، قرآن کریم در مخاطب با جامعه بشریت با عنوان «بنی‌آدم»، این موضوع را به همه انسان‌ها در همه ادوار تاریخ متذکر می‌شود که مبدا چنین بینشی، مسیر آنان را از راه حق و دین خدا منحرف سازد؛ لذا بعد از یادآوری پیمان عالم ذر می‌فرماید: «... یا بگوئید: "پدرانمان پیش از ما مشرک بودند و ما هم فرزندانمان بعد از آنان بودیم [و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم]». (اعراف: ۱۷۳) این تعبیر می‌تواند ناظر به نظام تربیت باشد؛ بدین معنا که «ما اطفالی بودیم که توان تعقل و تفکر و تدبر نداشتیم و در برابر این باور والدین، ما هم مشرک شدیم.» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ۷۶۷) که در این صورت ناظر به دو نسل پی‌درپی است؛ یا ناظر به گذشته کهن و غیرمعاصر باشد؛ بدین معنا که «نیاکان ما این شرک دینی را اختراع کرده‌اند و پیش از زمان ما تبدیل به سنت شده است.» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ۹۶). این معنای دوم رویکرد باستان‌گرایی دارد. در بخش دیگر از همین معیار، قرآن موضوع شیطان و همسویی با دعوت و وسوسه او را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «هنگامی که به آنان گفته شود: "از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید." گویند: "نه، بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم." آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت می‌کنند؟)» (لقمان: ۲۱) این معیار دینی باستان‌گرایی را در برابر آینده‌نگری واقع‌بینانه قرار می‌دهد که فرجام اصالت‌بخشی به این گرایش را در حیات اخروی خود بدانند و بر همین اساس از آن پرهیز کنند.

۲-۳. ساختار مواجهه با باستان‌گرایی

بعد دیگر از مواجهه قرآن کریم با باستان‌گرایی ناظر به ساختار مواجهه است. این ساختار ابعادی را شکل می‌دهد که معیارهای پیش‌گفته در آن، بروز و تشخیص می‌یابد. به دیگر سخن، قرآن کریم در فرایندی دقیق و بر اساس واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی موجود، سازوکار نظام‌مندی از مواجهه با این آسیب فرهنگی را ارائه می‌کند. ویژگی‌های این سازوکار را می‌توان از فرازهای مختلف کلام وحی به دست آورد.

۲-۳-۱. زمینه‌یابی

در گام نخست از ساختار بندی معیارهای مواجهه با این مشکل فرهنگی، قرآن به زمینه‌یابی از باستان‌گرایی می‌پردازد. مهم‌ترین و آشکارترین زمینه‌ای که قرآن در این باب بدان توجه می‌دهد زمینه‌های بین نسلی و پیوستگی نسبی در گرایش به باستان‌گرایی است. این موضوع در همان تعبیر «آباء» که بارها در پردازش این موضوع تکرار شده، قابل رهگیری و شناسایی است؛ زیرا به صورت طبیعی، تربیت والدین و وضعیت خانوادگی و اجدادی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک بینش و منش در نسل بعد باشد؛ همان‌گونه که رسول خدا ﷺ به همین موضوع در شکل‌گیری بینش دینی در پذیرش ادیان گوناگون توجه داده است (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ۱۳)؛ در نتیجه، نظام خانوادگی همان‌گونه که می‌تواند بستر ساز هدایت و سعادت نسل بشر باشد، ممکن است زمینه ضلالت و شقاوت را فراهم آورد؛ به همین جهت، قرآن تصریح می‌کند که اگر پدران کفر را بر ایمان ترجیح دادند، نباید آن‌ها را اولیای خود دانست (توبه: ۲۳). توجه‌دهی مصرح به این موضوع، به صورت خاص، در فرازهایی از قرآن قابل پی‌جویی است. کتاب وحی در نگاهی عام و در بیان یکی از زمینه‌های کفر و بت‌پرستی، خطاب به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «آن‌ها همان‌گونه این معبودها را پرستش می‌کنند که پدرانشان قبلاً می‌پرستیدند.» (هود: ۱۰۹) مفسران این جمله را بیان علت یقین و نبود تردید در باطل بودن این نوع از پرستش دانسته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ۲۷۰)؛ پس این‌ها از باب تقلید پدران و نیاکان چنین پرستشی دارند و بدون داشتن حجت، مسیر پیشینیان خود را می‌پیمایند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۱، ۴۴).

در نگاهی کهن به همین زمینه و در جریان مواجهه ابراهیم خلیل با فرهنگ عمومی بت‌پرستی،



اقرار بت پرستان به این موضوع به صورت ویژه پررنگ شده است. آن‌ها مستند منش خود را چنین معرفی کردند: «ما پدران خود را دیدیم که آن‌ها را عبادت می‌کنند.» (انبیاء: ۵۳) تعبیر «پدران» که اعم از حاضران و قدیمیان است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ۳۲۶) نشان می‌دهد که نه تنها در دوران معاصر اسلام، بلکه در تمام ادوار تاریخی، این پیوستگی گمراهانه نسلی یکی از زمینه‌های ضدفرهنگی بوده است. شکل‌گیری این بینش و منش در نسل بعد، هم به واسطه مشاهده نسل پیشین رقم می‌خورد و هم می‌تواند به هر مسیر دیگری ایجاد شود؛ چنان‌که در فرازی دیگر در نگاه عام و بدون قید مشاهده، این‌گونه نقل فرمود: «گفتند: "ما نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند."» (شعرا: ۷۴) لذا ممکن است نسلی بدون واسطه، شاهد نسل یا نسل‌های پیشین خود باشد و بدان فرهنگ گرایش پیدا کند یا اینکه این فرهنگ را نه در مشاهده، بلکه در مطالعه متون تاریخی، نگاره‌ها یا آثار باستانی بیابد و بر اساس همان زمینه، بدان گرایش پیدا کند؛ چه اینکه حالت دوم به دلیل قدمت و دیرپایی، ممکن است ارزشمندتر نیز انگاشته شود.

دیگر زمینه گرایش به باستان‌گرایی که قرآن بدان توجه می‌دهد، بینش جبرگرایانه است. کتاب وحی در گزارش گفتار باستان‌گرایانه مشرکان ناظر به خلط نظام تکوین و تشریح، چنین نقل می‌کند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر از او را نمی‌پرستیدیم و چیزی را بدون اجازة او حرام نمی‌کردیم.» (نحل: ۳۵) هرچند برخی این جمله را نوعی استهزا در برابر دعوت نبوی دانسته‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۷، ۲۰۶)، به نظر می‌رسد این دلیل تراشی، بروزی از همان تفکر جبری است که در ادوار مختلف تاریخی در میان غیرمؤمنان و مسلمانان نمود یافته و مستند رفتارهای ضددینی و ضدارزشی گردیده است.

زمینه دیگر باستان‌گرایی که به صورت مستقیم با هر سه معیار مواجهه نیز مرتبط است، فقدان التزام به معیارهای علم و عقل و دین در گزینش و باور به یک آیین باستانی است. قرآن در نقد خرافه باستانی دخترانگاری برای خداوند می‌فرماید: «اینها فقط نام‌هایی است که شما و پدرانتان بر آن‌ها گذارده‌اید و هرگز خداوند دلیلی بر آن نازل نکرده است. آنان فقط از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس پیروی می‌کنند.» (نجم: ۲۳) نازل نشدن دلیل الهی ناظر به معیار دینی و پیروی از ظن، ناظر به معیار عقلی و علمی است؛ چنان‌که مفسران واژه «سلطان» در این آیه را به معنای «برهان» دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، ۳۸).

۲-۳-۲. پیامدسنجی

ضلع دیگر از ساختار ترسیم‌شده قرآن در برابر باستان‌گرایی، ناظر به شناساندن پیامدهای موضوع است. این پیامدها در نگاه جامع قرآن، هم به حیات دنیوی و هم به حیات اخروی مرتبط است. مهم‌ترین پیامدی که قرآن از باستان‌گرایی اقوام کهن و معاصر نبوی گزارش می‌کند، تقابل با فرهنگ دینی است. کتاب وحی در گزارش دعوت تبلیغی موسی علیه السلام در برابر آل فرعون و واکنش آنان می‌فرماید: «هنگامی که موسی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: "این چیزی جز سحر نیست که به دروغ به خدا بسته شده است. ما هرگز چنین چیزی را از نیاکان خود نشنیده‌ایم."» (قصص: ۳۶) این جمله بدان معناست که آن‌ها نشنیده‌اند کسی پدران و اجدادشان را این چنین و به این محتوا دعوت کرده باشد. آن‌ها همین نرسیدن دعوت به پدرانشان را دلیل بر بطلان دعوت موسی علیه السلام انگاشته‌اند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ۵۵)؛ بنابراین، همان‌گونه که این بینش معیار پرستش را سنن باستانی قرار می‌دهد، پیامدی هم در راستای همان معیار ایجاد می‌کند که در نتیجه آن، حتی دلایل روشن را هم نمی‌پذیرند.

قرآن در مقطعی دیگر به منفی‌نگری برخاسته از باستان‌گرایی در تقابل با آیات وحی اشاره و فرموده است: «هنگامی که آیات روشن‌گر ما بر آنان خوانده شود، می‌گویند: "او فقط مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند، بازدارد."» (سبأ: ۴۳) جالب‌توجه آنکه اینان در این بیان، با اضافه کردن «پدران» به مخاطبان و جامعه هدف و گفتن «پدرانتان» به جای «پدرانمان»، به تحریک رگ تعصب و عصبیت آنان می‌پرداختند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ۳۲۶) و نوعی از منیت جمعی تاریخی را در بعد نیاکانی رواج می‌دادند تا از مسیر آن، هم نبوت را انکار کنند و هم وحی الهی را مردود بینگارند.

هدایت‌یافتگی توهمی نکته دیگری است که قرآن ناظر به پیامد فوق در تقابل باستان‌گرایان با فرهنگ دینی به آن اشاره می‌کند. آنان از جمله می‌گفتند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم و ما نیز به پیروی آنان، هدایت یافته‌ایم.» (زخرف: ۲۲) به بیان دیگر، باستان‌گرایان حتی ممکن است از مفاهیم الهی و ارزشی برای تأیید بینش و منش خود استفاده و با همین ادبیات، با فرهنگ اصیل دینی مقابله کنند؛ لذا این هدایت‌یافتگی خیالی، باعث تعریف نوعی امت یا آیین ضدازشی در مفهوم قرآنی است؛ چنان‌که در ادامه و در بیانی عام می‌فرماید: «در هیچ شهر و دیاری پیش از تو



پیامبر اندازکننده‌ای نفرستادیم، مگر اینکه ثروت‌مندان مست و مغرور آن گفتند: "ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم." (زخرف: ۲۳)

البته باید توجه داشت که قرآن در پیامدسنجی این موضوع، علاوه بر سطح دنیوی در حیات فرهنگی، به سطح ابدی در حیات اخروی نیز عنایت دارد. کتاب وحی در یک مقطع و در گزارش فرجام شوم این گروه می‌فرماید: «سپس بازگشت آن‌ها به سوی جهنم است؛ چراکه آن‌ها پدران خود را گمراه یافتند، اما باین حال، به سرعت به دنبال آنان کشانده شدند.» (صافات: ۶۸-۷۰) مفهوم «إهراع» در این آیه که متضمن معنای سرعت است، (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ۱۴۶) نشان می‌دهد پیروی از نیاکان در عملکرد اینان خالی از تأمل و تعقل و همراه با نوعی شتاب‌زدگی بود.

۲-۳-۳. ساحت‌شناسی

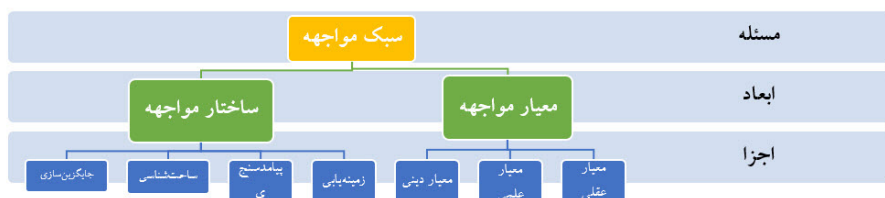
سومین بُعد از ساختار مواجهه با باستان‌گرایی در قرآن کریم، شناساندن گستره و عرصه‌هایی است که باستان‌گرایی در آن‌ها جریان یافته است. شناسایی این بعد از ساختار، از برآیند کلی آیات مرتبط به موضوع که پیش از این بیان شد، قابل استخراج است. نکته مهم آن است که بررسی تمام ساحت‌ها در این باره، آشکارکننده اثرگذاری باستان‌گرایی بر نظامات مختلف فرهنگ است. در بعد بینشی و نگرشی، عبودیت و پرستش‌های غیرتوحیدی مبتنی بر باستان‌گرایی، در آیات متعدد قرآن منعکس شده است (اعراف: ۷۰؛ هود: ۶۲؛ انبیاء: ۵۳ و موارد دیگر). ذیل همین ساحت، خرافه‌های همسو با پرستش مانند فرزندداری خداوند (کهف: ۴-۵) مورد توجه قرآن کریم بوده است. در بعد منشی و ناظر به سبک زندگی، به اقتصاد ناسالم به‌عنوان یک ساحت مهم توجه شده است (هود: ۸۷)؛ نیز در همین ساحت، تحریم خوراکی‌ها در سبک تغذیه، نمونه دیگر منش باستانی است (نحل: ۳۵). در بُعد کنشی و هنجاری، انجام فواحش و منکرات (اعراف: ۲۸) نمونه روشن کنش باستان‌گرایانه است.

توجه به ساحت‌های فوق نشان می‌دهد که باستان‌گرایی در نگره قرآن، تمامی ساحت‌های فرهنگ عمومی جوامع را تهدید می‌کند و می‌تواند کاملاً در برابر فرهنگ دینی آسیب‌زا باشد. در حقیقت، تکرار موضوع آسیب‌شناسی در آیات وحی، ناشی از نگاه جامع قرآن به این مسئله در نظام‌های گوناگون فرهنگ است که از ناحیه اقشار متنوع و با بهانه‌های مختلف بروز می‌یابد؛ هرچند بیشترین توجه و تأکید قرآن به این آسیب، در ساحت مسائل ایدئولوژیک و بینشی تحلیل می‌گردد.

۲-۳-۴. جایگزین‌سازی

بعد از کردی مواجهه قرآن در برابر باستان‌گرایی، ناظر به جایگزینی این خرده‌فرهنگ با فرهنگ اصیل و عمیقی است که هم می‌تواند آسیب‌زدا باشد و هم می‌تواند گسست‌های اجتماعی را بزداید. کتاب وحی در راستای گسترش فرهنگ توحیدی، در برابر فرهنگ جاهلی باستانی «امت آباء» (زخرف: ۲۲) که رویکرد تاریخی صرف دارد، فرهنگی عقلانی علمی الهی به نام «ملت آب» (حج: ۷۸) را تحدید و تعریف می‌کند تا هویت تاریخی باستانی پدر توحید یعنی ابراهیم خلیل علیه السلام را جایگزین هویت‌های خرافی کهن یا معاصر در هر قوم و ملت نماید. در این جایگزینی، سنن نیاکانی قومی در بسترهای جاهلی، با سنت ابراهیمی یکتاپرستانه در بستر توحید، جایگزین می‌شود؛ لذا در برابر کسانی که سنن نیاکانی خود را «امت» می‌نامیدند، موضع‌گیری می‌کند و می‌فرماید: «آیا اگر من آیینی هدایت‌بخش‌تر از آن چه پدرانتان را بر آن یافتید، آورده باشم (باز هم انکار می‌کنید؟)» (زخرف: ۲۴) این مؤدبانه‌ترین تعبیری است که می‌توان در برابر قومی لجوج و مغرور بیان کرد؛ به گونه‌ای که عواطف آن‌ها را جریحه‌دار نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۱، ۳۹)؛ وگرنه روشن است کاربرد افعال تفضیل در هدایت (أهدی) به معنای آن نیست که آیین آنان را تأیید کند.

به‌هرروی، قرآن کریم همان‌گونه که مفهومی از خانواده ایمانی و اسلامی را در بعد فراتاریخی ارائه کرد (اسعدی، ۱۴۰۰ ش، ۷-۱)، فرهنگ فراتاریخی ابراهیم را به‌عنوان باستان معیار به جامعه بشری معرفی فرمود که فراتر از روابط نسبی و سببی و قومی و ملی، در همسویی با آیین اسلام، کارکرد خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین، قرآن در قبال مردودانگاری یک انگاره باستانی ضد ارزشی، یک انگاره باستانی ارزشی را جانمایی می‌کند و می‌آموزد که می‌توان بدون اسارت در اوهام و جهل و خرافه، سنت‌ها و ارزش‌های باستانی اصیل و حق‌مدار تعریف کرد. بر اساس آنچه گذشت، سبک مواجهه قرآن کریم در برابر باستان‌گرایی در دو بُعد کلان، با اجزایی مشخص جانمایی می‌شود که در نمودار ذیل قابل مشاهده است:





نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، باستان‌گرایی در نگاه آسیب‌شناسانه قرآن، ترکیبی از عناصر باستانی و نیاکانی در کنار برخی باورهای ناصحیح دیگر بود که مجموعه این عوامل، باعث گمراهی باستان‌گرایان و تقابل آنان با فرهنگ دینی می‌شد؛ نه اینکه صرفاً تعلق خاطر باستانی عامل دین‌گریزی آنان باشد. آنان خداوند و مشیت الهی را نیز همسو با خرافات باستانی خود توصیف می‌کردند و بدین طریق، گرایش باستان‌گرایانه خود را مقدس می‌انگاشتند.

نتیجه دیگر آنکه قرآن در مسیر حرکت‌دهی جامعه به سمت فرهنگ مطلوب، اگر بینش یا منشی را آسیب‌شناسی کند و مردود شمارد، همزمان بینشی اصیل را جایگزین می‌کند تا فرایند فرهنگ‌سازی در جامعه و جهان، نه در رویکرد سلبی صرف، بلکه در رویکرد توأمان سلبی و ایجابی پیش برود. به دیگر سخن، قرآن آسیب فرهنگی و راهکار فرهنگی را همزمان مد نظر قرار می‌دهد و رویکرد صرفاً شناختی ندارد.

نتیجه پایانی آنکه قرآن کریم در آسیب‌شناسی فرهنگی جامعه، آسیب واحد را همزمان در جامعه معاصر و جوامع تاریخی دنبال می‌کند و ریشه‌های تاریخی آسیب را هم مد نظر می‌گیرد و این‌گونه، تکرار مسائل فرهنگی را در سیر تاریخ بشریت آشکار می‌کند.

کتاب‌نامه

• قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

منابع فارسی

- امین، نصرت‌بیگم (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۰ش). باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ثواقب، جهانبخش و کرملی، اکرم (۱۳۹۷ش). باستان‌گرایی در فرهنگ و ادبیات دوران سامانی، فصلنامه تاریخ ایران اسلامی، ۶(۲)، ص ۶۹-۸۶.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش). تفسیر کوثر، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- رضایی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۸۷ش). تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ----- (۱۳۹۲ش). منطق تفسیر قرآن ۳؛ روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، قم: نشر المصطفی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹ش). فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش). تفسیر عاملی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی صدوق.
- قرشی بنابی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۵ش). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
- قزاقی، محسن (۱۳۸۸ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کریمی مله، علی و گرشاسبی، رضا (۱۳۹۷ش). باستان‌گرایی جدید و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، ۱۸۲(۸۲)، ۱۵۳-۱۸۲.
- کلانتری، الیاس (۱۴۲۱ش). مختصر المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: اسوه.
- معین، محمد (۱۳۸۶ش). فرهنگ معین، تهران: انتشارات ادنا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

منابع عربی

- ابوزهره، محمد (بی تا). زهرة التفاسیر، بیروت: دارالفکر.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير والتنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف والبيان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸ش). مقتنیات الدرر، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی، بیروت: دار الفکر.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادقی التهرانی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر، اردن: دار الکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان، تهران: ناصرخسرو.



- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الأمالی، قم: دار الثقافة.
- قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق). تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، تحقیق عیون سود و محمد باسل، بیروت: دار الکتب العلمیہ، منشورات محمد علی بیضون.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- قمی مشہدی (۱۳۶۸ش). محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاہی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کریمی، محمد (۱۴۰۲ق). التفسیر لکتاب اللہ المنیر، قم: حوزه علمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیہ.
- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق). من ہدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
- مراغی، احمد مصطفیٰ (۱۳۷۱ش). تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
- مغنیہ، محمد جواد (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف، قم: دارالکتب الاسلامیہ.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). الأمثل فی تفسیر کتاب اللہ المنزل، ترجمہ و تلخیص: محمد علی آذرشب، قم: مدرستہ الإمام علی بن ابی طالب علیہ السلام.
- ملکی میانجی، محمد باقر (۱۴۱۴ق). مناہج البیان فی تفسیر القرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلیٰ (۱۴۰۹ق). مواہب الرحمن فی تفسیر القرآن، بی جا: دفتر سماحہ آیۃ اللہ العظمیٰ السبزواری.